

# دوربین نت

Festival.Doorbin.net

خبر نامه چهارمین جشنواره عکس خبری دوربین نت  
شماره ۷ - یکشنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۸

در حاشیه استقبال پر شور علاقمندان به عکاسی از کارگاه رضامعطریان  
و چیدن چهار ردیف صندلی اضافه در سالن

## رسانه در تسخیر عکاسان

شرمسار دوستان عزیزی که دو ساعت تمام ایستاده بودند، شدیم ...



عکس: علی جورابچی

صفحه ۲

جواد منتظری در گفت و گو با ستاد خبری جشنواره

## مالتی مدیا برای عکاسان خبری جدی تر شده است

کند. کارگاهی که به زعم جواد منتظری نسبت به سال گذشته تفاوت  
هایی داشت. که در گفت و گو با ستاد خبری جشنواره به برخی از آنها  
اشاره کرد.

استفاده از مالتی مدیا در عکاسی عنوان کارگاه تخصصی جواد منتظری  
در ششمین روز از برگزاری جشنواره دوربین نت بود. این دومین سالی  
است که منتظری آموزش مالتی مدیا را برای علاقه مندان برگزار می

صفحه ۴

## اول کلام

### لحظه راثبت کن

| جعفر تکبیری |

آلبوم را ورق بزن! همین عکس! آن بچه  
سیاه و سپید که می خندد منم. آنجا پشت  
سرم باغچه است. باغچه جایی بود توی یک  
حیاط که آقا بزرگ ها بوته یاس در آن به  
یادگاری گذاشته و بی بی ها، غروب ها به  
درختهایش آب می دادند و یاس هایش را  
با صلوات می چیدند. باغچه یک مربع روشن  
بود توی یک حیاط که دورش را سنگچین  
کرده بودند. آبروی خانواده، باغچه بود.

باز هم ورق بزن! این آدم رنگی که اخم کرده  
منم. این جا پشت سرم یک آپارتمان است،  
آپارتمان باغچه ندارد. مکعب مستطیلی  
روشن که سبز کم دارد. فرزند خلف زندگی  
مدرن! دود، تأخیر، ترافیک، دعوا، شلوغی،  
بوقهای ممتد، خاکستری، خرابی ماشین ها،  
آسانسورهایی که تند تند بالا و پایین می روند،  
آدمهایی که کرور کرور داخل مترو هل داده  
شوند یا از آن بیرون می ریزند، مهر، امضاء،  
میز، اداره، چای سرد، سرفه، لبخند الکی، اینها  
همگی نشانه های زندگی مدرنند.

حالا سالهاست حکایت باغچه ها گذشته  
است و سسکوت، سبزی، تماشای طلوع و  
دل بستن به یک نارون و قد کشیدن با آن،  
کلنگی شده اند.

رسالت شمایی که می خواهید عکاس باشید  
خیلی مهم و سنگینه همون حس قشنگی که  
از طبیعت گرفتی را باید منتقل کنی، برای این  
مردم گرفتار زندگی ماشینی و پر مشغله امروز  
... وقتی آدم به عکس قشنگ از طبیعت می  
بیند هر جا که باشد برای چند لحظه به اون  
خیره می شه و بی خیال دنیای اطرافش در  
اون فضا به سیر و سیاحت می پردازد و انرژی  
می گیره و نا خودآگاه آرامش سراسر وجودش  
رو فرا می گیره و لبخندی روی لبش می  
شیند.

آدمی از دل طبیعت و دامان اون زاده شده  
و باید به روز به اون برگردد پس این همه  
دوری چرا؟ وقتی طبیعت زیبای خدا رو می  
بینی احساس می کنی داری یه خواب  
قشنگ می بینی، عظمت خالقش رو با تمام  
وجودت حس می کنی، نا باورانه به همه چیز  
نگاه می کنی و دلت می خواد اون لحظه هیچ  
وقت تموم نشه. پس لافاقل دوربینت را همراه  
بیر و اون لحظه رو ثبت کن...